



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ  
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی &  
سال بیست و ششم | شماره ۱۰۱-۱۰۲ | پائیز و زمستان ۱۳۹۹

## میراث یک دانشمند مسلمان متعلق به قرون میانه؛ ابن طاووس و سرنوشت کتابخانه او پس از وفاتش

مؤلف: بوریس لیبرنز\*

مترجم: محمد عافی خراسانی\*\*

### چکیده

این مقاله، یک یادداشت بیانگر وقف را عرضه می‌کند. دارد که تنها اثر مادی باقیمانده از کتابخانه مشهور دانشمند شیعه، علی بن موسی بن طاووس (۶۶۴ق/۱۲۶۶م - ۵۸۹ق/۱۱۹۳م) است. این یادداشت، بینش جدیدی نسبت به کتابهایی که وی در اختیار داشته است، ارائه می‌دهد و چارچوب قانونی‌ای را که طی آن این کتابها به نوادگان او منتقل شده‌اند، روشن تر می‌سازد. همچنین این مقاله، تاریخچه بیشتری از این نسخه خطی را از دمشق تا استانبول ترسیم می‌نماید و راهکارهایی را برای ردیابی چنین یادداشت‌هایی که اغلب عامدانه نابود شده‌اند، مطرح می‌سازد.

### کلیدواژه‌ها

ابن طاووس، وقف، بغداد، دمشق، [کتابخانه ابن طاووس، دست خط ابن طاووس]

1 Boris Liebrecht. Saxon Academy of Sciences and Humanities, Leipzig.

۲ دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دوره دکتری.



مترجم این مقاله هنگامی که به توزیع یکی از مجله‌های پویا در بررسی نسخه‌های خطی اسلامی مشغول بود، توجهش به یکی از مقاله‌های آن<sup>۱</sup> جلب شد که در عنوان آن سخن از کتابخانه سید بن طاووس و سرنوشت آن بود. این موضوع، موضوعی جالب توجه به نظر می‌رسید؛ اما از آن جا که پیشتر، اتان کلبرگ در پژوهشی درباره این کتابخانه، سنگ تمام گذاشته بود،<sup>۲</sup> مترجم تا اندازه‌ای تردید داشت که چندان مطلب تازه‌ای در این مقاله یافت نشود. اما با نگاهی گذرا، روشن شد که این مقاله، مستقل از پژوهش کلبرگ است و علاوه بر آن، پرده از یک دستنوشته بسیار ارزشمند بر می‌دارد که به خط شریف سید بن طاووس نگاشته شده است. وی این یادداشت را در حاشیه یک نسخه خطی نگاشته و در ضمن آن بیان کرده است که آن کتاب را برای فرزندان خود وقف نموده است.

مواجه شدن با این دست خط شریف، کافی بود تا انگیزه سرشاری در مترجم پدید آورد و او را وادار به ترجمه این مقاله نماید و بدین وسیله، مخاطب فارسی زبان را از این یافته پر ارج آگاه نماید.

در این راستا - چنان که اقتضای یک ترجمه استوار نیز چنین است - مترجم در نظر داشته است در عین رعایت امانت، از ترجمه تحت اللفظی خودداری و به حذف و اضافه‌ی واژه‌های مورد نیاز پردازد، تا معنای عبارات به راحتی به خواننده منتقل گردد. و علاوه بر آن، تلاش کرده است خوانش نویسنده از این یادداشت را کاملتر نماید.

\*\*\*

پرداختن به یادداشت‌های موجود در نسخه‌های خطی، می‌تواند روش‌های گوناگونی داشته باشد. گاهی برای این کار باید کوچکترین و - به معنای واقعی کلمه - کم اهمیت‌ترین یافته‌ها را به کار گرفت تا به ساخت یک تصویر بزرگتر کمک کند. از آنجا که این یادداشت‌ها، اغلب پراکنده، پاره شده یا به طور عمدی محو شده هستند، [یافتن] سرنخ‌هایی به این کوچکی، در بیشتر موارد کاملاً بستگی به شانس دارند. یادداشت‌وقفی که در ادامه می‌آید نیز چنین وضعیتی دارد.

۱ این مقاله در شماره ۹ از مجله Brill - Journal of Islamic Manuscripts ، سال ۲۰۱۸ م، صص ۲۱۸-۲۲۴ انتشار یافته است.

۲ این کتاب «The Written Word in the Medieval Arabic Lands» نام دارد که سالها پیش به‌خامه آقایان رسول جعفریان و سید علی قرایی با عنوان «کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او» ترجمه شده است.

یادداشت‌های بیانگرِ وقف، اغلب از شکل و طراحی یکسانی پیروی می‌کنند و در نتیجه، محو نمودن برنامه ریزی شده آنها، آثار شک برانگیزی در نسخه خطی به جا می‌گذارد. یکی از روشهایی که از روزگاران کهن [برای بیان وقف] به کار گرفته شده است، این بوده که یک تعبیر ساده بیانگر آن، چندین بار در تمام نسخه خطی، در بالای متن تکرار شود. این تعبیر گاهی تنها از واژه «وقف» تشکیل می‌شد و گاهی نیز طولانی تر شده و نام شخص یا مؤسسه وقف کننده را نیز در بر می‌داشت. حتی در هنگامی که این تعبیر محو شده است، همچنان واژه «وقف» همراه با حرف «ف» پایانی آن به صورت یک خط افقی کشیده،<sup>۱</sup> در بیشتر موارد به خاطر شکل خاصش، با دقت قابل تشخیص است. [اما] کسانی بوده اند که می‌خواستند حتی این اثرات باقیمانده را که استفاده از تیغ برای محو کردن این گونه یادداشتهای می‌توانسته به جای گذارد، نیز حذف کنند. یک قطعه مستطیل بریده شده یا چسبیده شده، در حاشیه‌های بالای متن و در فاصله‌های منظم، بایستی شک و تردید را در یک محقق هشیار برانگیزاند. و با این تلنگر، خواننده‌ای که علاقه مند به تاریخ کتابش است، باید همه صفحه‌ها را به امید یافتن اثری از آن یادداشت محوشده ورق بزند، تا شاید بالأخره بتواند قطعه‌های کوچکی را بیابد که با ادغام آنها یک یادداشت منسجم از سوی شخص یا مؤسسه وقف کننده - که زمانی آن جلد از کتاب را در اختیار داشته است - تشکیل شود. این جاجایی است که اگر شانس یار باشد، آن دستی که همه یادداشتهای دیگر وقف را در سراسر کتاب پاک نموده، فقط این بار به اندازه کافی بی‌دقت می‌شود تا یک یادداشت نسبتاً واضح را باقی گذارد.

تمام این مؤلفه‌ها با همدیگر در مورد نسخه کُپرولو فاضل احمد پاشا ۱۰۴۷ - که اکنون در کتابخانه سلیمانیه در استانبول نگهداری می‌شود<sup>۲</sup> - وجود دارد و چیزی را که تا کنون تنها باقیمانده از یک کتابخانه مشهور است، آشکار می‌نماید.

۱ مترجم: این گونه: «وقف\_\_\_\_\_»، چنان که در تصویر ۱ قابل مشاهده است.

۲ این نسخه خطی ثبت شده است در: فهرس مخطوطات مکتبه کپرولو / *Catalogue of Manuscripts in the Köprülü Library*، رمضان شین و سیوات ایزجی و جمیل آکینار، ج ۱، ص ۵۴۰. این فهرست، تاریخ آن بخشی از نسخه را که در بردارنده یادداشت وقف ابن طاووس می‌باشد، متعلق به قرن ۸ ق دانسته است. (مترجم: بنابراین روشن میشود که اگر این یادداشت به راستی، متعلق به سید بن طاووس باشد، این تاریخ گذاری اشتباه است؛ چرا که سید بن طاووس درگذشته ۶۶۴ ق است، پس این نسخه دستکم باید متعلق به اواسط قرن ۷، یعنی اواخر حیات سید بن طاووس باشد.)



این نسخه خطی ۲۵۵ ورقه ای، پاره ای از یک تاریخ متعلق به اوایل دوران خلافت اسلامی است که سالهای ۶۳ ق تا ۹۷ ق هجری را پوشش می دهد. این قطعه، به مدت زیادی به عنوان بخشی از تاریخ جامع محمد بن جریر طبری (۲۲۴ق/۸۳۹م-۳۱۰ق/۹۲۳م) تاریخ الرسل و الملوك شناخته شده بوده است. پیش از این، ام جی گونج<sup>۱</sup> و ایگنازیو جودی<sup>۲</sup> از این مجلد برای کار خود بر روی دومین بخش از تصحیح این تاریخ استفاده کرده اند، که بین سال های ۱۸۸۱م و ۱۸۹۸م در لیدن به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup> یادداشت مورد بحث، بر روی ورقه ۲۵ (صفحه سمت راست) یافت شده و بدین گونه خوانده میشود:

«وقف علي بن موسى بن طاووس علي ... أولاده ما تناسلوا...»

شخص یادشده در این یادداشت، رضی الدین علی بن سعد الدین موسی بن جعفر بن طاووس حلی (زاده ۱۵ محرم ۵۸۹ق/ژانویه ۱۱۹۳م؛ درگذشته ۵ ذی القعدة ۶۶۴ق/آگوست ۱۲۶۶م) است. وی در یک خانواده برجسته شیعی در حله به دنیا آمده بود و در زمانی که در بغداد، حله، نجف و کربلا مسکن گزیده و مشغول به فعالیت بود، تا اندازه ای در فضای فکری و گاهی فضای سیاسی نفوذ داشت. او تنها یک دانشمند شناخته شده نبود، بلکه به طور برجسته ای به عنوان نقیب الاشراف نیز - ابتدا در بغداد و سپس در همه عراق -، در اوایل دوران حکومت مغول خدمت نمود. کتابخانه او نیز به طور فوق العاده ای مورد پژوهش قرار گرفته است. خود ابن طاووس فهرستی از کتابهایش گردآوری کرده است [و نام آن را کتاب سعد السعود گذاشته است] و این فهرست همراه با ارجاعات بیشتری که وی در آثار دیگرش به کتاب های خود داده است، به عنوان پایه ای برای یکی از بهترین نمونه های کتابشناسی در حوزه ما، یعنی کتاب A Medieval Muslim Scholar at Work نوشته اتان کلبرگ، مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۴</sup> همچنان که از آن دوران کهن که شمار کمی از نسخه های خطی اصیل متعلق به آن روزگار بدون آسیب باقی مانده اند، انتظار می رود، کلبرگ [چندان

1 M.J. de Goeje

2 Ignazio Guidi

3 Annales quos scripsit Abu Djafar Mohamed Ibn Djarir at-Tabari. Secunda Series, ed. M.J. de Goeje et al., 3 vols. (Leiden: Brill, 1881-1889).

نسخه خطی ما که درباره آن سخن می گویم در این تصحیح از جلد ۱، صفحه ۳۰۵ شروع می شود.

4 Etan Kohlberg, A Medieval Muslim Scholar at Work. Ibn Tawoos and his library (Leiden: Brill, 1992).



دسترسی مستقیمی به نسخه های کتابهای سید بن طاووس نداشته و در نتیجه به ناچار] تنها بر روی منابعی کار کرد، که نام کتاب های سید بن طاووس را نقل کرده اند. اما [با این وجود] گواهی همراه با جزئیات ابن طاووس [درباره کتاب های خود در سعد السعود] به کلبرگ این امکان را داد که یک فهرست دقیق از عنوان های کتاب های وی بازسازی نماید و بدین وسیله، کار کلبرگ [بر پایه توصیف خود شخص از کتاب ها و کتابخانه خود استوار گردید و] از کارهای دیگر که وابسته به گفته ها و حرف و حدیث های دیگران درباره کتابخانه یک فرد بود، متمایز گردید.

اما با تمام شایستگی ها، برخی پرسشها بودند که کلبرگ و منبع وی [سعد السعود] نتوانستند به آن پاسخ دهند. [به عنوان مثال،] کسانی که علاقه مند به تاریخ کتابخانه ها هستند، همچنان سر در گم اند که ساز و کار قانونی ای که این کتابخانه بر پایه آن تشکیل شده بوده، چیست؟ و مالک آن چه گام هایی را برداشته است، تا از طولانی تر نمودن عمر این کتابخانه اطمینان حاصل نماید؟ اخیراً هیرسچلر<sup>۱</sup> در پژوهش بنیادی خود در *The Written Word in the Medieval Arabic Lands* بیان داشته است که «کلبرگ در پژوهش موشکافانه خود نشان داده است که علامه ابن طاووس یک مجموعه شخصی را در بغداد نگهداری می کرده، که در بردارنده حدود ۱۵۰۰ عنوان کتاب بوده است، اما در این مورد و موردهای دیگر مشخص نیست که این نسخه های خطی، وقف شده بوده اند یا خیر».<sup>۲</sup>

اما به هر حال، این مطلب به طور کامل درست نیست؛ گرچه نادرستی آن را می توان به خاطر سردرگمی در اصطلاحات [کلبرگ] دانست. [توضیح این که] کلبرگ دست کم یک یادداشت درباره سید بن طاووس دارد که به طور واضحی به این مطلب اشاره می کند که چگونه سید بن طاووس یک اثر را برای پسرانش وقف نموده بود؛ یعنی [در جایی که می گوید] سید بن طاووس درباره کتابی «وصیت کرده بود که به پسرانش برسد (وَقَفْنَاهَا)».<sup>۳</sup> [در این جا، کلبرگ به صراحت تعبیر عربی «وقفناها» را ذکر کرده است، اما با این وجود از آن به «وصیت» یاد می کند]؛ بنابراین واضح است هنگامی که کلبرگ سخن ابن طاووس را بازگو

1 Hirschler

2 Konrad Hirschler, *The Written Word in the Medieval Arabic Lands. A social and cultural history of reading practices* (Edinburgh: Edinburgh University Press, 2012), p. 136

3 Kohlberg, *A Medieval Muslim Scholar*, p. 77.



می‌کند که «وی تصمیم گرفت تا وصیت نماید<sup>۱</sup> تمام کتابهای دیگرش به پسرانش و فرزندان<sup>۲</sup> ذکور آنها برسد<sup>۳</sup>»، منظور کلبرگ در واقع، همان وقف کردن است و این اصطلاحات نسبتاً غیردقیق کلبرگ - و شاید فهم غیر دقیق وی از ماهیت وقف - است که «وقف» را تبدیل به «وصیت» نموده و باعث شده است این حقیقت از خوانندگان پنهان شود.<sup>۴</sup>

آنچه اکنون یادداشت موجود در بالای متن نسخه کپولو ۱۰۴۷ ارائه می‌کند، این است که نه تنها بر مبنای یک مدرک مستند، وقفی بودن کتاب های سید بن طاووس را واضح تر می‌سازد، بلکه یک نسخه دیگر را نیز به عنوان کتاب هایی که تا کنون جزو کتابخانه سید بن طاووس شناخته می‌شده، می‌افزاید.

کلبرگ، نمونه های فراوانی از ارجاعات سید بن طاووس به تاریخ طبری نقل نموده است - البته سید بن طاووس همیشه تنها از نام کتاب طبری یاد کرده و هیچ گاه از آن نقل قول نکرده است - اما به هیچ وجه روشن نبوده که وی در واقع این اثر را در مجموعه خود داشته است.<sup>۵</sup> مزیت دیگر شناسایی یک نسخه از کتابخانه سید بن طاووس، توانایی ملاحظه سرنخ های بیشتری درباره تاریخچه آن در نقل و انتقال های بعدی است. [گزاره نیست اگر بگویم] اولین باری که این نسخه وقف شد، [گویا این وقف] انجام شده بود تا فقط آغازی برای وقف های بعدی<sup>۶</sup> باشد؛ همچنان که [سرنوشت بسیاری از نسخه ها چنین بوده است و] این نسخه یک استثنا نیست. در بسیاری از موارد، سیر جابجایی یک نسخه خطی می‌تواند به عنوان یک مسافرت توصیف شود، مسافرتی نه تنها در میان وقف ها و مؤسسه های دیگر، بلکه یک نقل و انتقال دائمی بین «وقف» و «مالکیت شخصی».

۱ این واژه مبهم است.

۲ یعنی در کنار چهار قرآن برای چهار دخترش.

۳ همان، ص ۱۷.

۴ علاوه بر سردرگمی اصطلاحات در این مورد، کلبرگ در برخی موارد از تعبیر «donated» یعنی «اهدای نمودن» نیز برای کتابخانه های وقفی دیگری استفاده کرده است. به عنوان نمونه، نک:

Kohlberg, A Medieval Muslim Scholar, p. 80.

5 Kohlberg, A Medieval Muslim Scholar, pp. 361-362, #609.

۶ مترجم: در عبارت اصل مقاله، تعبیر «longer development» آمده است که ترجمه واژه به واژه آن «پیشرفت طولانی تر» است، اما روشن است که چنین ترجمه ای معنای عبارت را نمی‌رساند در نتیجه تعبیر «وقف های بعدی» که منظور نویسنده مقاله است، در ترجمه به کار رفت.

در همین راستا، درباره نسخه کُپرولو ۱۰۴۷ نیز باید گفت که این نسخه بر روی ورقه ۸ صفحه سمت راست، یادداشت وقف دیگری نیز در بردارد که این چنین خوانده میشود: "وقف بالضیائیة". این یادداشت به مدرسه ضیائیة در دمشق اشاره دارد. این نهاد که به مدت طولانی به عنوان مهمترین کتابخانه این شهر مورد تحسین بوده است، شاهد دزدی‌ها یا تصاحب‌های فراوانی بوده است که مستند و ثبت شده می‌باشند و [از سویی دیگر] منابع درباره سرگذشت این کتابخانه بین سده ۱۶ تا ۱۹ میلادی تقریباً ساکت هستند؛<sup>۱</sup> بنابراین دور از انتظار نیست که نسخه‌های خطی آن سر از جایی دیگر درآوردند، چنان که این نسخه نیز چنین سرنوشتی داشته است. آخرین گام قابل شناسایی برای نسخه کُپرولو ۱۰۴۷ در مسافرتش، دوباره یک وقف بوده است؛ این بار در پایتخت امپراطوری عثمانی. نسخه سید بن طاووس سر از یک مجموعه فاخر در آورد که با نام وزیر اعظم، فاضل احمد کُپرولو ارتباط یافته است و پس از وفات وی، در سال ۱۰۸۸ ق/۱۶۷۷ م پایه گذاری شده و به نخستین کتابخانه مستقل در قلمروی عثمانی بدل گشته است.<sup>۲</sup> در این جا بوده که این نسخه نهایتاً باقی مانده است.

از بغداد تا دمشق و پس از آن تا قسطنطنیه، این نسخه شاهد یک مسافرتی بوده است که امپراطوری‌ها و سده‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. چه اندازه از کتاب‌های ابن طاووس از سرگذشت این نسخه پیروی کرده اند، برآورد آن در حال حاضر ممکن نیست. با درنگ در بقایای ضعیف و کم‌رنگ یادداشت‌های وقف، گردآوری سازمان یافته آنها و اندکی شانس، ما می‌توانیم امید داشته باشیم که به آن پی ببریم.

### نکته پایانی مترجم

نویسنده مقاله بخش مهمی از یادداشت وقفی را که به قلم مبارک سید بن طاووس نگاشته

<sup>۱</sup> درباره این مجموعه که اکنون در کتابخانه‌هایی در سراسر دنیا پراکنده است، نک: شمس الدین محمد بن طولون، القلائد الجوهريّة في تاريخ الصالحية، تصحيح محمد احمد دهمان، ج ۱، صص ۷۷-۷۹؛ Youssef Éche, Les bibliothèques araes publiques et semi-publiques en Mésopotamie, en Syrie et en Égypte au Moyen Âge (Damascus: Institut Français de Damas, 1967), pp. 217-235, 295, 297; Boris Liebrecht, Die Rifā'ya aus Damaskus. Eine Privatbibliothek im osmanischen Syrien und ihr kulturelles Umfeld (Leiden: Brill, 2016), pp. 176-178.

<sup>۲</sup> درباره این کتابخانه که در واقع، حاصل تلاش و اهداهای مشترک چندین نسل از کُپرولوها است، نک: Ismail E. Erünsal, Ottoman Libraries. A survey of the history, development and organization of Ottoman foundation libraries (Cambridge, Mass.: The Department of Near Eastern Languages and Literatures, Harvard University, 2008), pp. 43-44.





شده، خواننده است. با این حال برخی از واژه‌های آن مبهم مانده‌اند. در این جا، مترجم آنچه را که در تکمیل خوانش این یادداشت سودمند است، بیان می‌کند.

به نظر می‌آید در این عبارت، واژه پیش از «اولاده»، «ذکور» است و احتمالاً دو واژه پایانی نیز، «من الذکور» باشند و در نتیجه، شاید بتوان گفت یادداشت را این طور دانست:

"وقف علي بن موسى بن طاووس على ذكور أولاده ما تناسلوا من الذكور"

البته مترجم درباره این که آخرین واژه «الذکور» باشد، تردید جدی دارد؛ زیرا چندان با شکل حرف‌ها در واژه پایانی همخوانی ندارد؛ گرچه به نظر می‌رسد مناسبترین واژه با معنای این عبارت همین واژه باشد. یک قرینه خارجی بسیار مهم نیز این خوانش را تقویت می‌کند و آن این است که خود سید بن طاووس در سعد السعود نیز دقیقاً به همین مطلب اشاره کرده است:

«... في أن أُصنّف كتاباً أسميّه سعد السعود للنفوس المنزود من كتب وقف علي بن موسى بن محمد بن طاووس، أذكر فيه من كل كتاب و'وقفته بالله جل جلاله على ذكور أولادي و ذكور أولادهم...»<sup>۲</sup>

احتمال دیگری که شاید مطرح شود این است که این واژه «الأولاد» باشد، اما این نیز با شکل این واژه سازگار نیست، خصوصاً که در همین عبارت قبلاً به صورت واضحی «اولاده» آمده است و این واژه با آن متفاوت است. گذشته از آن که به قرینه مطلب سید بن طاووس، وی به دنبال وقف برای نوادگان ذکور خود بوده است؛ بنابراین واژه «الأولاد» که اعم از پسر و دختر است، مناسب اینجا نیست، چنان که واضح است.<sup>۳</sup> از این رو، باید گفت در عمل، واژه پایانی ناخوانا باقی می‌ماند، گرچه شاید بتوان احتمال «ذکور» را دست‌کم به عنوان یک احتمال مطرح نمود.<sup>۴</sup>

۱ به نظر می‌رسد «و» در این جا زائد و تصحیف باشد. اما از آن جا که در چاپ این کتاب چنین آمده است، در این جا آورده شد.

۲ ابن طاووس، سعد السعود، ص ۳.

۳ این که سید بن طاووس، تعبیر «ذکور اولاده» را آورده و به «اولاده» اکتفا نکرده است، بیشتر واضح می‌سازد که کاربرد «اولاده» در این عبارت اصلاً نمی‌تواند به معنای پسر بوده باشد.

۴ در راستای آشنایی بیشتر با چالش‌های خوانش نسخه‌ها و تصحیف‌های رخ داده در آنها و آشنایی با برخی نمونه‌های عینی، نک: عبدالسلام محمد هارون، تحقیق النصوص و نشرها، صص ۷۴-۸۲. نگارنده نیز در تحقیق یک نسخه خطی از زیدیه یمن به برخی از این نمونه‌ها اشاره نموده است. نک: عافی خراسانی، مقدمه احادیث أمير المؤمنين علي عليه السلام برواية عبدالعظيم الحسيني عليه السلام و باملاء القاضي جعفر بن أحمد اليماني، باب نماذج من التصحيفات التي واجهتها في التحقيق و تحليلها.





- ابن طولون، شمس الدين محمد بن طولون، القلائد الجوهريّة في تاريخ الصالحية، تصحيح محمد احمد دهمان، دمشق، مجمع اللغة العربية، ١٩٤٥-١٩٥١م.
- ابن طاووس، علي بن موسى، سعد السعود، قم، دار الذخائر، بي تا.
- هارون، عبدالسلام، تحقيق النصوص و نشرها، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٤١٨ق.
- عافى خراساني، محمد، مقدمة أحاديث أمير المؤمنين علي عليه السلام برواية عبدالعظيم الحسيني عليه السلام و ياملاء القاضي جعفر بن أحمد اليماني، قم، دار الحديث، ١٤٢٢ق/١٤٠٠ش.
- رمضان ششّن و سيوات إزجي و جميل أكبينار، فهرس مخطوطات مكتبة كپرولوا / Catalogue of Manuscripts in the Köprülü Library، استانبول، مركز پژوهش های تاريخ، هنر و فرهنگ اسلامي، ١٤٠٦ق/١٩٨٦م.
- Abu Djafar Mohammed Ibn Djarir at-Tabari, Annales quos scripsit, Secunda Series, ed. M.J. de Goeje et al, Leiden: Brill, 1881-1889.
- Etan Kohlberg ,A Medieval Muslim Scholar at Work. Ibn Tāwūs and his library, Leiden: Brill.1992 ,
- Konrad Hirschler ,The Written Word in the Medieval Arabic Lands. A social and cultural history of reading practices ,Edinburgh: Edinburgh University Press2012 ,
- Youssef Éche ,Les bibliothèques arabes publiques et semi-publiques en Mésopotamie, en Syrieeten Égypteau Moyen Age ,Damascus: Institut Français de Damas.1967 ,
- Boris Liebrez ,Die Rifā'īya aus Damaskus. Eine Privatbibliothek im osmanischen Syrien und ihr kulturelles Umfeld ,Leiden: Brill, 2016.
- Ismail E. Erünsal ,Ottoman Libraries. A survey of the history, development and organization of Ottoman foundation libraries ,Cambridge, Mass.: The Department of Near Eastern Languages and Literatures, Harvard University, 2008.